



تیتیر های امر وز



آیا ترامپ در برابر واقعیت‌های سیاسی ایران
عقب‌نشینی کرده‌است؟

دیوار سخت ایران

چه چیزی ترامپ را نسبت به ایران
به این وضعیت رسانده؟

صفحه ۷

چرا مصوبات شورای عالی مسکن مشکلات
اجار دشنینان را بر طرف نخواهد کرد؟

گره‌های کور مستأجری

صفحه ۲

نقدی بر عقل شهرت‌زده

زوال تفکر در زندگی پلتفرمی

صفحه ۵

بحران در بحران؛ فقدان تحلیل روایی در رسانه‌های ما



نگاه
رسول لطفی

این یادداشت، هیچ طرح تازه‌ای ندارد. تمام آن چیزی است که هر کدام از ما، در روزگار مواجهه با حوادث تلخ و ناگهانی، بارها و بارها با گوشت و پوست خود حس کرده‌ایم؛ ضعف ساماندهی رسانه‌ای و اشتفتگی اطلاع‌رسانی. فقدان یک نقشه رسانه‌ای جدی، فقدان یک قایق نجات در دریای متلاطم افکار عمومی؛ آنجا که ذهن‌ها مبهوت ماندند و دل‌ها در التهاپند، ما بی‌سکان و بی‌جهت، دست‌وپا می‌زنیم. چرا چنین است؟ چرا هر بار به جای آنکه حوادث را مدیریت کنیم، خودمان بخشی از آشوب می‌شویم؟

نمونه اخیر انفجار در بندر رجایی شهادی بر این وضعیت است. پیش از آنکه بررسی‌های کارشناسی کامل شود، رسانه‌هایی چه داخلی و چه خارجی، در تحلیل‌های شتابزده خود، انگشت اتهام را به سوی «خرابکاری»، «دشمنان خارجی» یا ناآگاهانه در ایجاد این آنتروپی می‌نشانند. این نوع روایت‌سازی‌های نیم‌بندی، نه تنها آرامش روانی جامعه را مخدوش می‌کند، بلکه امکان مدیریت عقلانی بحران را نیز از مدیران می‌گیرد. بی‌سامانی رسانه‌ای در چنین بزنگاه‌هایی، نوعی آنتروپی اجتماعی تولید می‌کند: افول نظم در ساخت معنایی جامعه. هر رسانه‌ای که پیش از کشف حقیقت، دست به روایتگری بزند، آگاهانه یا ناآگاهانه در ایجاد این آنتروپی سهیم است. روایت‌های اولیه به مثابه «طرح‌واره‌های اولیه ذهن جمعی» عمل می‌کنند و بعدتر اصلاح آنها، حتی با انتشار حقایق روشن، دشوار و پرهزینه خواهد بود. وای روایت‌های رسانه‌ای که حول این قضیه شکل گرفت، یک هدف مشترک وجود داشت: تضعیف ایران در ذهن‌ها. ایران تضعیف‌شده، بی‌ثبات و گرفتار بحران دائمی، پروژه نانوشت‌های بود که در لایه‌های مختلف روایت‌ها پیش می‌رفت. این پروژه جانگذاری ذهنی، آزمون و خطای بی‌وقفه‌ای هم بود: سنجیدن واکنش افکار عمومی، ترسیم خطوط شکنندگی جامعه و زمینه‌چینی برای فشارهای بعدی و در این میان، خلأ بزرگ نبود اتفاق فکر رسانه‌ای در مدیریت بحران بود. افکار عمومی به حال خود رها شد؛ بی‌سپر، بی‌رهبری، بی‌راهبری. در چنین بزنگاه‌هایی، نبود یک مرکز طراحی و هماهنگی روایی، نه تنها آسیب‌های بحران را چندبرابر می‌کند، بلکه به روایت‌های مخرب اجازه می‌دهد بر ویرانه ذهن‌ها، امپراتوری اضطراب و بی‌اعتمادی بنا کنند. رسانه در مدیریت بحران، محرم دانسته نمی‌شود. در ساختار ما، رسانه اغلب یا به بیانی‌نویسی منفعل فروگاسته می‌شود یا به سکوتی بی‌ربط و بیگانه تبعید می‌شود.

ادامه در صفحه ۲

مسابقه ضد انقلاب و برخی رسانه‌های داخلی برای طرح ادعاهای بی‌پایه درباره آتش‌سوزی در بندر شهید رجایی

بارانداز شایعه

پیام تسلیت رهبر انقلاب: مسؤولان هر گونه سهل‌انگاری یا تعمد را کشف و پیگیری کنند



کمیته سیل سحر انورد / مهر

گزارشی از میزان خسارات احتمالی انفجار
در بندر شهید رجایی

آتش علیه تجارت

صفحه ۳

رویکرد تخریبی اپوزیسیون در مقابل همدلی
مردم ایران در حادثه بندر شهید رجایی

رقص گرگ‌ها در خون بندر

صفحه ۲

ازدحام در نقاط مختلف کشور
برای اهدای خون به مصدومان

مرهم خون روی زخم بندر

صفحه ۴

تلاش برای اطفای حریق ادامه دارد
ابراز همدردی مردم با حادثه‌دیدگان

ایران کنار بندر

صفحه ۴



گزارش
عباد محمدی

ظهر روز نخست حادثه؛ تصاویر دود نارنجی‌رنگ به آسمان برخاسته و فقط می‌دانیم اتفاقی تلخ ناشی از یک انفجار در بندر شهید رجایی روی داده است. هنوز ابعاد حادثه مشخص نیست. در سکوت سنگین خطوط خبری، ناگهان جرقه‌ای در شبکه‌های اجتماعی زده شده و پای «موشک‌ها» وسط کشیده می‌شود.

رسانه‌ها طبق معمول یا خواب بودند یا خود پایهای از اطلاع‌رسانی غلط شده بودند فضای مجازی اما طبق معمول، بی‌صبرتر از این حرف‌ها عمل کرد؛ شایعات، تصاویر مبهم، تحلیل‌های بی‌سند و گمانه‌زنی‌های هیجانی مثل شعله در بیابان خشک بندرعباس پیچید. چند ساعت بعد، نخستین بیانیه رسمی منتشر شد اما دیگر دیر شده بود؛ افکار عمومی قصه خودش را ساخته بود. این صحنه حالا در ایران به یک قاعده تکرار شونده مبدل شده است؛ کشوری بحران‌خیز که در بزنگاه‌های حساس به تماشای آشوب روایت‌ها می‌نشیند. انرژی رسانه‌های رسمی به جای ارتباط شفاف و مستقیم با جامعه، درگیر تکریم اخبار نادرست می‌شود تا جایی که تعداد برخی تکذیبیه‌ها از انگشتان دست هم فراتر می‌رود. رسانه‌های معاند نیز طبق روال همیشه داستان‌های خود را می‌سازند؛ البته می‌دانیم آنها در روایت انسجام دارند، نه حقیقت. صفحات شبکه‌های اجتماعی هم در رقابتی بی‌امان برای جلب توجه، مرز واقعیت و خیال را در هم می‌شکنند. نمونه آن هم همین قصه سوخت موشک و بندر که به هم گره خورد، بی‌آنکه کسی سؤال کند واقعاً داستان چیست.

البته در این هیاهو، حقیقت تنها بازنده میدان نیست. افکار عمومی نیز زیرآوار شایعات دفن می‌شوند و این ناشی از خلأ الگوی اطلاع‌رسانی در بحران‌هاست که گویی هیچ‌گاه نمی‌خواهد سامان بگیرد. این مقاله، تلاشی است برای بازخوانی رفتار رسانه‌های ایرانی - از اصولگرا تا اصلاح‌طلب، از مدعی حمایت از انقلاب تا حامی دولت - در مواجهه با بحران‌های ملی. تحلیل خواهیم کرد چرا در نبود یک الگوی روشن اطلاع‌رسانی در بحران، نخستین ضربه همواره به اعتماد عمومی وارد می‌شود و چگونه می‌توان با اصلاح ساختار اطلاع‌رسانی، از تولید بحران دوم جلوگیری کرد.

■ ایران، سرزمین بحران‌های بدون روایت مدیریت‌شده

ایران، سرزمینی است که در طول نیم قرن

نکرده، افرادی چون احمد زیدآبادی تحلیل حادثه را ارائه و نتیجه‌گیری هم کرده‌اند! در همین ماجرا پیش از آنکه ابعاد نخست حادثه مشخص شود، احمد زیدآبادی در کانال تلگرامی خود نوشت: «همزمانی انفجار مهیب و خسارت‌بار در اسکله رجایی بندر عباس با مذاکرات ایران و آمریکا در مسقط، ظن خرابکاری را تشدید می‌کند. تاکنون اطلاع‌رسانی در این مورد مناسب نبوده و ضعف همیشگی در این موضوع را بر مبنای سلیقه گذاشته است. اگر انفجار در نتیجه سهل‌انگاری و به صورت اتفاقی رخ داده باشد، چه همزمانی تراز یکی! اما اگر پای خرابکاری اسرائیل یا برخی گروه‌های تروریستی فعال در جنوب شرقی وسط باشد، به معنای «فعال شدن» مخالفان قسم خورده توافق است.» اینکه چطور ممکن است در همان لحظات ابتدایی برخی چهره‌ها تحلیل خود را ارائه دهند و بعد هم از فضای اطلاع‌رسانی گلابه کنند! امری بسیار عجیب است. عجیب‌تر آنکه برخی حامیان دولت پای نهادهای حاکمیتی را وسط می‌کشند و سیاه را «کاسب تحریم» می‌خوانند. یعنی افرادی بی‌آنکه بدانند این گرما از خورشید است یا آتش‌سوزی، نسبت به حادثه تحلیل ارائه می‌کنند.

■ ماجرای بندر شهید رجایی؛ روایت یک تکرار تلخ

کلاسیک از این بحران اطلاع‌رسانی بود. در ساعات اولیه پس از وقوع حادثه، برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب با استناد بر برخی صفحات مجازی و منابع نامشخص - در برخی رسانه‌های مدعی جریان انقلابی نیز قابل مشاهده است - از یک «حمله» خبر دادند و در ادامه همین خط کانال‌های پر مخاطب از «انفجار بزرگ با تلفات انسانی» نوشتند. چندی بعد رسانه‌هایی چون صداسویمیا که میل خروج از وضعیت بحرانی داشتند، خبری مبنی بر اینکه حادثه محدود به آتش‌سوزی در محوطه کانتینری بوده منتشر کردند اما آن زمان، روایت ساخته‌شده اولیه دیگر کار خودش را کرده بود و ذهن افکار عمومی به سمت یک حادثه امنیتی پنهان‌شده سوق داده شده بود، هر چند همان خبر اولیه کانیتیرها نیز دقیق نبود. این الگو دقیقاً همان چیزی است که در بحران‌های قبلی مانند سقوط هواپیمای اوکراینی، حمله تروریستی کرمان، انفجارهای پارچین و حتی حوادث محیط‌زیستی همچون سیل‌های شمال و زلزله کرمانشاه نیز تکرار شده بود.

روایت رسانه‌های خارجی فارسی‌زبان نظیر ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی نیز همان همیشگی بود و کمی حرفه‌ای‌تر؛ این رسانه‌ها با استناد بر چند

خبر منابع خارجی، روایت‌های امنیتی از حادثه ساختند

■ چرا حقیقت دیر می‌رسد؟

تحلیل علل این وضعیت نشان می‌دهد چند عامل کلیدی در ضعف اطلاع‌رسانی رسانه‌های ایرانی در لحظه بحران نقش دارد:

فقدان پروتکل واحد اطلاع‌رسانی: هیچ دستورالعمل روشنی برای چگونگی مواجهه رسانه‌ها با بحران‌های حساس وجود ندارد. هر رسانه‌ای بر مبنای سلیقه سردبیر یا میزان دسترسی خود به اطلاعات، خبررسانی می‌کند و هیچ مرجعی مسؤول پیگیری و اطلاع‌رسانی در بحران‌ها نیست. هر فردی که صحنه را دیده باشد، به خود این اجازه می‌دهد مقابل دوربین بایستد و از جزئیات سخن بگوید.

تعلل در ارائه روایت رسمی: تأخیر چندساعته تا چندروزه در ارائه روایت رسمی معتبر، فضای خالی را به روایت‌های غیررسمی واگذار می‌کند.

ضعف در ارجاع به منبع موثق: بسیاری از اخبار اولیه بدون ذکر دقیق منبع یا تنها با عناوینی نظیر «یک مقام آگاه» منتشر می‌شوند؛ همان منابع آگاهی که در همه‌جا هستند.

نگاه سیاسی به بحران: رسانه‌ها گاه به جای اطلاع‌رسانی شفاف، بحران را به رقابت‌های سیاسی و جناحی گره می‌زنند؛ موضوعی که عملاً به از دست رفتن مرجعیت خبری می‌انجامد. این رقابتی بی‌پایان است که نخست اصلاح‌طلبان آن را آغاز می‌کنند و برخی رسانه‌های اصولگرا با شدت بیشتر بدون توجه به مساله امنیت ملی آن را پیگیری می‌کنند. روایت انفجار در محموله سوخت موشکی بدون آنکه بدانند سوخت موشک اساساً وارد یک گمرک رسمی نمی‌شود، از سوی برخی رسانه‌های داخلی و در امتداد خط رسانه‌های ضدانقلاب بازتاب داشت. گاهی این رسانه‌ها خود تبدیل به منبع هم می‌شوند. در ماجرای سلاح پیشرفته پلاسمایی نیز شاهد همین اتفاق بودیم و ابتدای یک کانال تلگرامی ادعایی مطرح کرد، سپس در فضای کانال‌های رسمی ضرب گرفت و پای سلاح پلاسمایی به رسانه‌های انگلیسی‌زبان کشیده شد، دوباره همین کانال‌های تلگرامی خبر رسانه انگلیسی‌زبان را پوشش دادند که خبری هست! در چنین فضایی، بدیهی است که افکار عمومی خالی از روایت نمی‌ماند. اگر رسانه‌های رسمی روایت نکنند، دیگران روایت خواهند کرد؛ بی‌پایه، بی‌مبنا، و گاه بی‌رحم.

■ شبکه سردرگمی؛ رفتار رسانه‌های جریان‌های مختلف سیاسی

بحران رسانه‌ای در ایران، در لحظه‌های حساس،

فقط ناشی از فیک‌نیوزها یا ضعف اطلاع‌رسانی رسمی نیست، بلکه بخشی از آن به رفتار ناهمگون و گاه رقابت‌آلود خود رسانه‌های جریان‌های مختلف سیاسی بازمی‌گردد. رسانه‌های دولتی، اصولگرا، بحران، روایتگری خاص خود را دارند و گاه همین روایت‌های ناهمسو، بحران اصلی را به یک جنگ روایی داخلی تبدیل می‌کند. رسانه‌های انقلابی در مواجهه با بحران‌ها، اغلب ۲ رویکرد دارند:

- یا بحران را در چارچوب «دشمن‌محور» روایت می‌کنند؛ یعنی به سرعت حادثه را به فعالیت خرابکارانه دشمنان خارجی یا داخلی نسبت می‌دهند، حتی پیش از اثبات قطعی!

- یا سعی می‌کنند ابعاد واقعی حادثه را کم‌رنگ کرده، با تمرکز بر موفقیت‌های مدیریت بحران، تصویری اُمیدآفرین از کنترل اوضاع ارائه دهند. این رویکرد، هر چند با نیت حفظ امنیت روانی جامعه است، اما در بسیاری موارد، با بی‌توجهی به نیاز افکار عمومی به شفافیت فوری و بی‌طرفانه، نتیجه معکوس می‌دهد.

رسانه‌های دولتی (مانند ایرنا، ایسنا یا خبرگزاری‌های وابسته به دستگاه‌های رسمی) در بحران‌ها به طور معمول محتاط و محافظه‌کار عمل می‌کنند. در اغلب مواقع، با وجود دسترسی به منابع دولتی، خود منظر می‌مانند تا بیانه رسمی اعلام نظر قطعی منتشر شود، سرعت واکنش‌شان پایین است و معمولاً وارد روایت نمی‌شوند و گاهی در مواجهه با شایعات، به جای تکذیب سریع یا شفاف‌سازی، سکوت می‌کنند.

رسانه‌های منتسب به جریان اصلاح‌طلب، معمولاً بحران‌ها را به فرصتی برای نقد ساختارهای مدیریتی و امنیتی تبدیل می‌کنند. در بهترین حالت، روایت آنها بحران را ناماد ناکارآمدی مدیریت معرفی می‌کند اما مثلاً در ماجرای حادثه بندر شهید رجایی یا تساهب در قضاوت، بویژه در فضای بحرانی، باعث می‌شود تحلیل‌ها به جای روشنگری، به تردید و چندپارگی در فضای افکار عمومی دامن بزند. مثلاً با وجود آنکه مساله خرابکاری یا حادثه مشخص نیست، برخی رسانه‌ها وابسته به اصلاح‌طلب‌ها خبر مجاورت نیروی دریایی سپاه با محل حادثه را منتشر و سعی می‌کنند فضا را به مذاکرات گره بزنند.

ادامه در صفحه ۸